

# "کیفیت تحصیل معرفت الله"

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



لوح رقم (4) - امر و خلق، جلد 1

## ۴ - کیفیت تحصیل معرفت الله

از حضرت بهاء الله در رساله سیر و سلوک هفت وادی است قوله الاحلی: "اول وادی طلب است. مرکب این وادی صبر است و مسافر در این سفر بی صبر بجائی نرسد و بمقصود واصل نشود... مجاهدین کعبه "فینا" به بشارت "لنهدینهم سبلنا" مسروند و کمر خدمت در طلب بغایت محکم بستانند... شرط است این عباد را که دل را که منبع خزینه الهیه است از هر نقشی پاک کنند و از تقلید که از اثر آباء و اجداد است اعراض نمایند و ابواب دوستی و دشمنی را با کلّ اهل ارض مسدود کنند. و طالب در این سفر بمقامی رسد که همه موجودات را در طلب دوست سرگشته بیند... و این طلب طالب را حاصل نشود مگر بنثار آنچه هست یعنی آنچه دیده و شنیده و فهمیده همه را بنفی "لا" منفی سازد تا بشهرستان جان که مدینه "الا" است واصل شود... و سالک در این سفر بر هر خاکی جالس شود و در هر دیار طلب یار نماید با هر جمع مجتمع شود و با هر سری همسری نماید که شاید در سری سر محبوب بیند و یا از صورتی جمال محبوب مشاهده کند."

و از آن حضرت در کتاب ایقان است قوله الاعلی: "الباب المذكور فی بیان ان العباد لن یصلوا الی شاطی بحر العرفان الا بالانقطاع الصّرف عن کلّ من فی السموات والارض قدسوا انفسکم یا اهل الارض لعل تصلن الی المقام الذی قدر الله لکم و تدخلن فی سرادق جعله الله فی سماء البیان مرفوعا."

و هم در آن کتاب پس از تفصیل شروط مجاهدت در طریق معرفت چنین مسطور است قوله الاعلی: "و چون بعمل و الذین جاهدوا فینا موید شد ببشارت لنهدینهم سبلنا مستبشر خواهد شد."



ORIGINAL

و در جواهر الاسرار قوله عزّ كبريائه: "فاعلم ثم اعرف بان السالك في اول سلوكه الى الله لا بد له بان يدخل في حديقة الطلب و في هذا السفر ينبغى للسالك بان ينقطع عن كلّ ما سوى الله و يغمض عيناه عن كلّ من في السموات و الارض و لم يكن في قلبه بغض احد من العباد و لا حب احد على قدر الذي يمنعه عن الوصول الى ممكن الجمال و يقدّس نفسه عن سبحات الجلال و له حقّ بان لا يفتخر على احد في كلّ ما اعطاه الله من زخارف الدنيا او من علوم الظاهرة او غيرها و يطلب الحقّ بكامل جدّه و سعيه ليعلمه الله سبل عنايته و مناهج مكرّمته لانه خير معين بعباده و احسن ناصر لارقائه قال و قوله الحقّ "الذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا" و في مقام آخر "اتقوا الله يعلمكم الله."

و از كلمات مكنونه قوله الاعترّ الابهى: "يا ابن الروح في اول القول املك قلباً جيداً حسناً منيراً تملك ملكاً دائماً باقياً ازلاً قديماً."

ايضا در جواهر الاسرار قوله جلّ كبريائه: "لا بد للمسافر الى الله و المهاجر في سبيله بان ينقطع عن كلّ من في السموات و الارض و يكف نفسه عن كلّ ما سواه ليفتح على وجهه ابواب العناية و تهب عليه نسيمات العطفة و اذا كتب على نفسه ما القيناه من جواهر المعاني و البيان ليعرف كلّ الاشارات من تلك الدلالات و ينزل الله على قلبه سكينه من عنده و يجعله من الساكنين."

و در اثر مباركي كه به "اصل كلّ الخير" مشهور چنين نازل قوله جلّ جلاله: "رأس كلّ ما ذكرناه لك هو الانصاف و هو خروج العبد عن الوهم و التقليد و التفرس في مظاهر الصنع بنظر التوحيد و المشاهدة في كلّ الامور بالبصر الحديد."

و از حضرت عبدالهاء در كتاب مفاوضات است قوله العزيز: "و چون اين مقام تحرّی حقيقت است و جستجوی واقع مقامی است كه تشنه جان سوخته آرزوی آب حیات نماید ماهی مضطرب بدريا رسد مريض طيب حقيقي جويد و بشفای الهی فائز شود قافله گمگشته براه حقّ پی برد و كشتی سرگشته و حيران بساحل نجات رسد لهذا طالب بايد متّصف بچند صفات باشد اولاً بايد كه منصف باشد و منقطع از ماسويالله و قلبش بكلی بافق اعلى توجه كند و از اسيری نفس و هوی نجات يابد زیرا اينها همه مانع است و از اين گذشته تحمل هر بلائی لازم است و بايد در نهايت تقدیس و تنزيه باشد و از حبّ و بغض جميع ملل عالم بگذرد چه كه احتمال حبّش بجهتی مانع از تحقيق جهت ديگر شود و همچنين بغض بجهتی شايد مانع از كشف حقيقت آن شود اين مقام طالب است طالب بايد باين اخلاق و اطوار باشد و تا باين مقام نيايد ممكن نيست كه بشمس حقيقت پی برد."